

بررسی تأثیر دوره تصدی مؤسسات حسابرسی بر کیفیت گزارش گری مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

یحیی حساس یگانه^۱

مهدی محمودی^۲

رسول ذیحجی^۳

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی تأثیر دوره تصدی کوتاه مدت (بین یک تا دو سال)، میان مدت (بین سه تا چهار سال) و بلندمدت (بیش از چهار سال) مؤسسات حسابرسی بر کیفیت گزارش گری مالی می‌پردازد. جامعه آماری پژوهش شرکت‌های پذیرفته شده در بورس تهران، که حداقل به مدت پنج سال متوالی مورد تصدی یک موسسه حسابرسی قرار گرفته باشند و قلمرو زمانی تحقیق سال‌های ۱۳۸۱ لغایت ۱۳۹۰^۴ است. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که کیفیت گزارش گری مالی در دوره تصدی کوتاه مدت بیشتر از دوره تصدی بلند مدت است و رابطه معناداری بین کیفیت گزارش گری مالی در دوره تصدی میان مدت و بلندمدت وجود ندارد. نتایج تحقیق ضوابط چرخش اجباری مؤسسات حسابرسی در ایران را تأیید و احتساب دوره چهارساله جهت چرخش مؤسسات حسابرسی را مطلوب ارزیابی نمی‌کند. این پژوهش خلاء فقدان تحقیقات دانشگاهی مبتنی بر مدل اندازه‌گیری در خصوص چرخش اجباری مؤسسات حسابرسی در ایران را برطرف نموده و آن را از پشتوانه تئوریک برخوردار می‌سازد.

واژگان کلیدی: چرخش اجباری حسابرسی، کیفیت حسابرسی، کیفیت گزارش گری مالی، دوره تصدی حسابرسی.

طبقه‌بندی موضوعی: G10

مقدمه

۱. عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبائی
۲. کارشناس ارشد حسابداری دانشگاه علامه طباطبائی
۳. کارشناس ارشد حسابداری کارشناس ارشد حسابداری.
۴. با عنایت به اینکه سازمان بورس و اوراق بهادار، از سال ۱۳۹۰ مؤسسات حسابرسی به استثنای سازمان حسابرسی و موسسه حسابرسی مفید راهبر را پس از ۴ سال مجاب به تغییر در سطح موسسه حسابرسی نموده است، بنابراین در نظر گرفتن دوره تصدی بلند مدت (بیش از ۴ سال) فقط تا سال ۱۳۹۰ برای مؤسسات حسابرسی معتمد بورس امکان پذیر است.

نیاز روز افزون جامعه به اطلاعات بهنگام اقتصادی و مالی توأم با توسعه محیط تجاری سبب شده است تا فرآیند حسابرسی نیز همگام با این تغییرات دست‌خوش تحولات عظیمی شود. تاسیس شرکت‌های بزرگ برای انجام فعالیت‌های تجاری که با سرمایه‌های فردی امکان‌پذیر نبود، در اوایل قرن نوزدهم، تأثیر عمیقی بر تفکیک مالکیت از مدیریت داشت (حساس یگانه، ۱۳۸۸). تقاضا برای حسابرسی از نقش نظارتی حسابرسی در روابط بین مالک و مدیر شکل می‌گیرد. براساس نظریه مباشرت و نمایندگی روابط بین افراد متشکل از مجموعه قراردادهایی است که در آن طرفین ملزم به رعایت مفاد قرارداد می‌باشند. با دو فرض بدیهی عدم همسویی منافع بین طرفین قرارداد (مالک و مدیر) و منطق اقتصادی هر یک از طرفین قرارداد، انتظار می‌رود که مدیر در راستای بهینه کردن منافع خود مبادرت به اقداماتی کند که تضییع حقوق مالک را در بر داشته باشد (امیر اصلانی، ۱۳۸۱). برای اجتناب یا حداقل کردن چنین تضادی، مالک می‌تواند از حسابرسی صورت‌های مالی به عنوان ابزار کاهش اطلاعات نامتقارن بهره‌گیرد.

استقلال، نگرشی از ذهن است که اجازه نمی‌دهد نقطه نظرات و نتیجه‌گیری‌های حسابرسی متکی به اثرات و فشارهای ناشی از تضاد منافع افراد قرار گیرد (حساس یگانه، ۱۳۸۸). فقدان استقلال حسابرسان در بعد ظاهری و باطنی و کیفیت پایین حسابرسی از جمله عوامل مؤثر در پیدایش بحران‌های مالی و انتشار گزارش‌های مالی گمراه‌کننده است. در راستای افزایش استقلال حسابرسان و به تبع آن افزایش کیفیت حسابرسی، تلاش‌هایی از سوی دولت‌ها در جهت محدود نمودن طول دوره همکاری حسابرسان با صاحبکار صورت پذیرفته است که به عنوان نمونه می‌توان به تصویب قانون ساربینز آکسلی^۱ در جولای ۲۰۰۲ اشاره کرد. بخش ۲۰۳ این قانون، مؤسسات حسابرسی را ملزم می‌کند شرکا و مدیران خود را بعد از هر ۵ سال کار متوالی روی یک صاحبکار واحد تغییر دهند. در ایران مطابق با تبصره ۲ ماده ۱۰ دستورالعمل مؤسسات حسابرسی معتمد سازمان بورس و اوراق بهادار مصوب ۱۳۸۶/۰۵/۰۸ و اصلاحیه‌های بعد از آن، مؤسسات حسابرسی و شرکای مسئول کار حسابرسی مجاز نیستند بعد از گذشت ۴ سال، مجدداً سمت حسابرسان مستقل و بازرسان قانونی شرکت را بپذیرند. حامیان تغییر حسابرسان باور دارند در صورت تغییر اجباری، حسابرسان در موقعیتی قرار می‌گیرند که قادر خواهند بود در مقابل فشارها و خواسته‌های مدیران مقاومت کرده و قضاوت بیطرفانه‌تری را اعمال نمایند. حضور طولانی مدت حسابرسان در کنار یک صاحبکار، موجب ایجاد تمایلاتی برای

1. Sarbense-Oxely Act

حفظ و رعایت نقطه نظرات مدیریت صاحبکار می شود، وضعیتی که استقلال و بی طرفی را مخدوش می سازد (رجبی، ۱۳۸۵).

در مقابل مخالفان تغییر اجباری حسابرسی معتقدند، وجود عواملی چون حفظ شهرت و اعتبار و یا ترس از احتمال طرح دعاوی حقوقی می تواند منجر به حفظ استقلال حسابرسان شود. به عقیده این گروه، حسابرسان با گذشت زمان، شناخت بیشتری از کنترل های داخلی صاحبکار به دست می آورند و در نتیجه کارایی روشهای حسابرسی به کار رفته توسط آنان افزایش خواهد یافت. به اعتقاد آنها تغییر حسابرسان باعث خواهد شد اعتماد سرمایه گذاران به اتکا صورت های مالی کاهش یافته و از این رو اعتبار حسابرسی کاهش یابد. از سوی دیگر تغییرات مکرر حسابرسان با توجه به هزینه های حسابرسی نخستین نسبت به هزینه های حسابرسی سنوات بعد موجب افزایش هزینه های حسابرسی خواهد شد (Sinnet, 2004).

محدود شدن دوره تصدی حسابرسان شامل تغییر در سطح کادر حسابرسی در رده مدیران و شرکا و تغییر در سطح مؤسسه حسابرسی است (Hamilton et al, 2005).

سازمان بورس و اوراق بهادار، مؤسسات حسابرسی به استثنای سازمان حسابرسی و مؤسسه حسابرسی مفید راهبر را پس از ۴ سال مجاب به تغییر در سطح مؤسسه حسابرسی نموده است. بنابراین با توجه به الزام تغییر در سطح مؤسسات حسابرسی، تحقیق حاضر به بررسی اثرات تغییر مؤسسه حسابرسی بر کیفیت گزارش گری مالی در ایران می پردازد^۱.

کشورهایی چون آمریکا و انگلیس تنها به چرخش اجباری شرکای حسابرسی اکتفا کرده اند و کشورهای نظیر برزیل، کره جنوبی، هند و سنگاپور شرکت ها را ملزم به تغییر مؤسسات حسابرسی بعد از یک دوره مشخص نموده اند. در این میان کشورهای چون اتریش، اسپانیا و کانادا نیز بعد از شکست در اجرای قانون تغییر اجباری مؤسسات حسابرسی، آن را کنار گذاشتند (Li, 2007).

به باور بسیاری از جمله تحقیق انجام شده توسط ون جانسون و دیگران (۲۰۱۰) در مطالعات مربوط به بررسی آثار تغییر حسابرسان، اثر تغییر اجباری بر کیفیت گزارش گری مالی شرکت ها از جایگاه ویژه ای برخوردار است. کیفیت گزارش گری مالی برای استفاده کنندگان حائز اهمیت است، این کیفیت ترکیبی از کیفیت کار مدیران شرکت ها در مورد نحوه شناسایی رویدادهای مالی و انعکاس

۱ - مطابق با تبصره ۵ ماده ۱۰ دستورالعمل، مؤسساتی که حداقل دارای ۲۰ شریک بوده و هیچ یک از شرکا بیش از ۲۰ درصد ۱ سهم الشرکه را دارا نباشند براساس ضوابطی که سازمان بورس و اوراق بهادار تعیین می نماید می توانند تیم رسیدگی کننده و شرکای مسؤل کار را تغییر دهند.

آن‌ها و همچنین کیفیت کار حسابرسان در مورد برنامه‌ریزی و اجرای روش‌های حسابرسی و رعایت استقلال آنهاست، به نحوی که برخی صورت‌های مالی حسابرسی شده را ارایه مشترک حسابرس و صاحبکار دانسته‌اند. با وجود اینکه کیفیت گزارش‌گری مالی در نهایت معیاری کیفی و یک ارزیابی ذهنی است، پژوهش حاضر در نظر دارد تحت مدلی تجربی و با استفاده از اطلاعات مالی شرکت‌های بورسی و با در نظر داشتن شاخص‌هایی چون مدیریت سود، سلامت مالی شرکت و اهرم مالی، کیفیت گزارش‌گری مالی را اندازه‌گیری و سپس رابطه آن را با دوره تصدی مؤسسه حسابرسی آزمون نماید. هدف از تحقیق حاضر پاسخ به این پرسش است که کیفیت گزارش‌گری مالی در کدام یک از دوره‌های تصدی حسابرس بیشتر است؟

مروری بر پیشینه تحقیق

تغییر اجباری حسابرس

ورشکستگی شرکت‌هایی نظیر انرون، نگرانی‌های عمده‌ای در ارتباط با اتکالپذیری صورت‌های مالی ایجاد کرده است. درحالی‌که مسئولیت اصلی تهیه صورت‌های مالی بر عهده مدیریت است اما در پی این وقایع، انگشت اتهام به سوی حسابرسان نشانه رفته است. قانون‌گذاران و تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابداری تلاش دارند تا از طریق وضع قوانین مناسب، استقلال و کیفیت حسابرسی را بهبود بخشند. در این بین می‌توان به تصویب قانون ساربینز-آکسلی در جولای ۲۰۰۲ توسط کنگره آمریکا اشاره کرد. این قانون شامل الزام یک سری محدودیت‌های جدید در زمینه خدمات غیر حسابرسی، ایجاد هیئت نظارت بر حسابداری شرکت‌های سهامی عام^۱ (PCAOB) و چرخش اجباری مدیر و شرکای حسابرسی بعد از پنج سال متوالی می‌باشد (Li, 2007). البته با توجه به گزارش منتشره انجمن حسابداران آمریکا^۲ در سال ۱۹۹۲ که به هزینه بر بودن و همچنین ناکارآمد بودن تغییر حسابرس و بهبود کیفیت حسابرسی اشاره دارد، ساربینز-آکسلی نیز الزامی برای تغییر مؤسسات نداشته و تنها به تغییر شریک اکتفا شده است.

1. The Public Company Accounting Oversight Board

2. The American Accounting Association

عوامل مؤثر بر تغییر حسابرسان

تشخیص عوامل مؤثر بر تغییر حسابرسان در برنامه ریزی برای تقویت استقلال حسابرسان و تدوین مقررات لازم برای شفاف سازی علل تغییر حسابرسان، نقش بسزایی دارد. به طور کلی عوامل مؤثر بر تغییر حسابرسان را می توان به دو گروه عمده تقسیم کرد:

(۱) عوامل مرتبط با ویژگی های حسابرسی و حسابرسان و (۲) عوامل مرتبط با واحدهای متقاضی

حسابرسی.

بنا به اظهار دی آنجلو (De Angelo, 1981) عوامل مرتبط با تقاضاکنندگان خدمات حسابرسی به خصوصیات شرکت ها و مساله نمایندگی از قبیل اندازه شرکت، اهرم مالی و ترکیب مدیران دلالت دارد. با وجود این، انتخاب حسابرسان تحت تأثیر عوامل مرتبط با ویژگی های مؤسسات حسابرسی به عنوان عرضه کنندگان این خدمت از قبیل حق الزحمه حسابرسی، نوع اظهارنظر حسابرسان و در نهایت کیفیت کار حسابرسان نیز هست.

عوامل مرتبط با ویژگی های حسابرسی و حسابرسان

عوامل این دسته شامل حق الزحمه حسابرسی، نوع اظهارنظر حسابرسان و کیفیت حسابرسی است که به ترتیب مورد بحث قرار می گیرد.

حق الزحمه حسابرسی: بنا بر منطق اقتصادی و برای سطح معینی از کیفیت خدمات حسابرسی، شرکت ها به دنبال جلب همکاری حسابرسانی هستند که حداقل هزینه حسابرسی را به آنها تحمیل نمایند. شرکت ها سعی دارند با انتخاب استراتژی تغییر حسابرسان، هزینه حسابرسی را کاهش دهند (پالمروز ۱۹۸۴).

حق الزحمه حسابرسی: بنا بر منطق اقتصادی و برای سطح معینی از کیفیت خدمات حسابرسی، شرکت ها به دنبال جلب همکاری حسابرسانی هستند که حداقل هزینه حسابرسی را به آنها تحمیل نمایند. شرکت ها سعی دارند با انتخاب استراتژی تغییر حسابرسان، هزینه حسابرسی را کاهش دهند (Palmoz, 1984).

نوع اظهارنظر حسابرسان: نتایج تحقیقات نشان می دهد بندهای شرط گزارش حسابرسی بر روی قیمت سهام اثر منفی دارد. بنابراین احتمال این که شرکت هایی که گزارش مشروط دریافت می کنند حسابرسان خود را تغییر دهند، زیاد است (De Angelo, 1981). شوارتز و منن (Schwartz el

(al,1985) رابطه معنی داری را بین این دو متغیر نیافتند. وو و چای کو (Wo and Chow,2001) نشان دادند که اظهارنظر مشروط حسابرسان بر تغییر آنها تأثیر مستقیم دارد. کیفیت حسابرسی: شرکت‌هایی که انگیزه بیش‌تری برای متعهد نشان دادن خود و پرائت از هرگونه سوء استفاده دارند، معمولاً مؤسسات حسابرسی بزرگ‌تر و مشهورتر را انتخاب می‌کنند. در اینجا شهرت و بزرگی مؤسسات حسابرسی، جانشینی برای کیفیت حسابرسی است. بیتی و فینرلی (Biti el al,1995) نشان دادند که عدم رضایت از کیفیت حسابرسی یکی از دلایل اصلی تغییر حسابرسان است. وو و چای کو (Wo and Chow,2001) نیز دریافتند که کیفیت حسابرسی با تغییر حسابرسان رابطه معکوس دارد.

عوامل مرتبط با ویژگی های واحد مورد رسیدگی

عوامل این دسته شامل تغییر ترکیب مدیریت شرکت، فرصت دست‌کاری سود، اهرم مالی، اندازه شرکت، رشد شرکت و فعالیت‌های تامین مالی است که به ترتیب مورد بحث قرار می‌گیرد: تغییر در ترکیب مدیریت شرکت: با تغییر مدیریت شرکت این امکان وجود دارد که مدیریت جدید متمایل به استفاده از روش‌های سود افزا و به دنبال کسب همکاری حسابرسانی برای تأیید روش مذکور باشد. همچنین مدیریت جدید ممکن است به دلیل سوء ظن یا نارضایتی از مجموعه مدیریت و حسابرس قبلی، درصد انجام حسابرسی توسط حسابرس جایگزین و انتقال مسئولیت به مدیریت و حسابرس قبلی باشد. انگیزه ساده دیگر برای مدیریت جدید در خصوص تغییر حسابرسان می‌تواند تنها به دلیل نداشتن سابقه همکاری و رابطه با حسابرس فعلی شرکت باشد (رجبی، ۱۳۸۳).

کارپنتر و استراوزر (Carpenter & Strawser, 1971) و بیتی و فینرلی (Beattie & Fearnley,1995) دریافتند که تغییر در مدیریت شرکت‌ها یکی از عوامل اصلی تغییر حسابرسان است

فرصت دست‌کاری سود: وجود فرصت‌های دست‌کاری در سود به معنی وجود شرایط بالقوه اختلاف نظر با حسابرسان و زمینه ساز شروع ذهنیت تغییر حسابرس است. هیلی (Healy,1985) اعتقاد دارد که تعهدات کوتاه مدت به صورت بالقوه انگیزه دست‌کاری در سود را برای مدیریت ایجاد می‌کند. دوفاند (Defond, 1992) نشان داد که وجود فرصت‌های دست‌کاری در سود برای مدیریت زمینه تغییر حسابرس را به دنبال دارد و برای این کار از نسبت تعهدات کوتاه مدت به دارایی‌ها در سال قبل از تغییر حسابرس استفاده کرد و هرچه این نسبت بالاتر بود، تغییر حسابرسان نیز بیشتر اتفاق می‌افتاد

. وو و چای کو (Choi & Woo, 2001) نیز وجود یک رابطه مثبت را بین فرصت‌های دست‌کاری در سود و تغییر حسابرسان از سوی شرکت‌ها نشان دادند.

اهرم مالی: جنسن و مک‌کلینگ (Jensen & Meckling, 1976) نشان دادند که مدیران و مالکان همواره فرصت انتقال ثروت را از اعتبار دهندگان به خود دارند. هرچه میزان بدهی بیشتر باشد، ثروت بالقوه قابل انتقال بیشتر است. در این شرایط استقلال حسابرسان اهمیت بیشتری پیدا می‌کند، زیرا مدیران شرکت‌ها بدین وسیله می‌خواهند در خصوص رعایت شرایط قرارداد استقراض به اعتبار دهندگان اطمینان بیشتری بدهند. مدیران و مالکان برای کسب اعتماد اعتبار دهندگان، اقدام به استفاده از حسابرسانی می‌نمایند که از همه لحاظ مورد اعتماد سرمایه‌گذاران بالقوه باشند. شیلدز (Shields, 1989) و دوفاند (Defond, 1992) و وو و چای کو (Choi & Woo, 2001) ارتباط معنی‌دار بین اهرم مالی شرکت‌ها و تغییرات حسابرسان یافتند اما، پالمروز (Palmrose, 1984)، هیلی ولایز (Healy & Lys, 1985) ارتباط معنی‌داری را بین این دو متغیر نیافتند.

اندازه شرکت: پالمروز (Palmrose, 1984) نشان دادند که هرچه اندازه شرکت بزرگ‌تر می‌شود، تعداد قراردادهای نمایندگی شرکت (بین شرکت به عنوان کارفرما- نماینده همچون مدیران، کارکنان و اعتباردهندگان) نیز افزایش می‌یابد و این امر نظارت مالکان بر مدیران و همچنین نظارت اعتباردهندگان بر مالکان و مدیران را با دشواری بیشتری مواجه می‌کند و در نتیجه استقلال حسابرسان اهمیت و ضرورت بیشتری می‌یابد. بنابراین، مالکان و مدیران برای اینکه نشان دهند همکاری قبلی آنها با حسابرسان شرکت خارج از روال عادی کار حرفه‌ای نیست، حسابرسان قبلی شرکت را تغییر می‌دهند. همچنین با افزایش میزان دارایی‌ها نیاز به مؤسسات حسابرسی بزرگ‌تر و معتبرتر نیز احساس می‌شود و هرچه مبلغ دارایی‌های شرکت بالاتر باشد، احتمال تغییر حسابرسان بیشتر است. جانسون ولایز (Johnson & Lys, 1990) و هاسکینز و ویلیامز (Hasking & Williams, 1990) نشان دادند عامل اندازه شرکت بر تغییر حسابرسان اثر قابل ملاحظه‌ای دارد. از طرفی شوارتز و منن (Schwartz & Menon, 1985) و وو و چای کو (Choi & Woo, 2001) در تحقیق خود به این نتیجه رسیده‌اند که بین اندازه شرکت و تغییر حسابرسان رابطه معنی‌داری وجود ندارد.

رشد شرکت: یک شرکت در حال رشد ممکن است به دنبال حسابرسان جایگزین باشد که خدمات حسابرسی بهتری با هزینه کمتر ارائه نماید. همچنین به دلیل شهرت، اعتبار و یا کیفیت خدمات نیز واحدهای در حال رشد انگیزه بیشتری برای تغییر حسابرسان خود دارند. جانسون ولایز (Johnson & Lys, 1990) و هاسکینز و ویلیامز (Hasking & Williams, 1990) نشان دادند که رشد واحد مورد

رسیدگی با تغییر حسابرسان رابطه معناداری دارد. بر خلاف تحقیقات فوق، بارتن و رابرتز (Burton & Roberts, 1967) و چو و رایس (Chow & Rice, 1982) و وو و چای کو (Choi & Woo, 2001) ارتباط معنی داری را بین رشد شرکت‌ها و تغییر حسابرس نیافتند.

فعالیت‌های تامین مالی: معمولاً شرکت‌ها در رابطه با وضعیت آتی خود اطلاعات زیادتری دارند که در دسترس سرمایه‌گذاران نیست. این عدم تقارن اطلاعاتی ممکن است منجر به تقاضای بیشتری برای حسابرسی قابل اعتماد شود تا در رابطه با ارزش شرکت علائم مثبت به بازار مخابره کند و هزینه های نظارت را کاهش دهد. فرانسیس و ویلسون (Francis & Wilson, 1988) و جانسون و لایز (Johnson & Lys, 1990) دریافتند که عرضه عمومی سهام یا اوراق مشارکت با تقاضای خدمات حسابرسی از مؤسسات حسابرسی بزرگ و مشهور همراه بوده است.

تعریف کیفیت گزارش‌گری مالی و مفاهیم مربوط به آن

کیفیت گزارش‌گری مالی عبارت است از توان صورت‌های مالی در انتقال اطلاعات عملیات شرکت و به طور خاص پیش‌بینی جریان‌های نقدی مورد انتظار آن به سرمایه‌گذاران. یکی از معیارهایی که به عنوان شاخص تعیین‌کننده کیفیت گزارش‌گری مالی مورد بحث می‌باشد، کیفیت ارقام تعهدی است. این معیار به طور گسترده‌ای در تحقیقات (Francis 2003, Batacarria2003؛ Francis 2007, Batacarria2007؛ Solano2009, Hillary2006) استفاده شده است. تحقیقات تجربی به صورت فزاینده‌ای در حال بررسی نقش کیفیت اطلاعات حسابداری، به عنوان معیاری از تقارن اطلاعاتی می‌باشند. برخی از مطالعات یادشده نشان داده‌اند که کیفیت اطلاعات حسابداری بر هزینه سرمایه (Francis 2003, Batacarria2003)، مدت سرسید بدهی (Batacarria2007) و سطح انباشت وجوه نقد (Solano2009) اثرگذار است. مطالعات مزبور، برای کیفیت اطلاعات حسابداری شاخص‌های متنوعی همچون شفافیت حسابداری (Batacarria2003)، ارزش اطلاعاتی سود (Baros 2009)، ویژگی‌های کیفی سود (Francis 2003؛ Hillary2006) و کیفیت ارقام تعهدی (Francis 2003) را به کار گرفته‌اند. تاکید بر کیفیت ارقام تعهدی در مطالعات پیش‌گفته ناشی از آن دسته از شواهد تجربی است که نشان می‌دهد ارقام تعهدی سبب افزایش توانایی پیش‌بینی جریان‌های نقدی آتی می‌گردد (Diechev, 1994; Sobramanian, 1996). به عنوان مثال از نظر اعتباردهندگان، کیفیت پایین‌تر ارقام تعهدی موجب کاهش توانایی آنان در ارزیابی و برآورد جریان‌های نقدی آتی می‌شود. در نتیجه کیفیت پایین ارقام تعهدی منجر به افزایش هزینه بدهی می‌گردد.

همان طور که بیان شد، در این تحقیق کیفیت گزارش گری مالی، توان صورت های مالی در انتقال اطلاعات عملیات شرکت و به طور خاص پیش بینی جریان های نقدی مورد انتظار آنان به سرمایه گذاران تعریف شده است. در این راستا در بند ۵-۱ بخش مفاهیم گزارش گری مالی استانداردهای حسابداری ایران اشاره شده است " اتخاذ تصمیمات اقتصادی توسط استفاده کنندگان صورت های مالی مستلزم ارزیابی توان واحد تجاری جهت ایجاد وجه نقد و زمان قطعیت ایجاد آن است". این توان در نهایت، تعیین کننده ظرفیت واحد تجاری جهت انجام پرداخت هایی از قبیل پرداخت حقوق و مزایای کارکنان، پرداخت به تامین کنندگان کالا و خدمات، پرداخت مخارج مالی، انجام سرمایه گذاری، بازپرداخت تسهیلات دریافتی و توزیع سود بین صاحبان سرمایه است. ارزیابی توان وجه نقد از طریق تمرکز بر وضعیت مالی، عملکرد مالی و جریان های نقدی واحد تجاری و استفاده از آنها در پیش بینی جریان های نقدی مورد انتظار و سنجش انعطاف پذیری مالی، تسهیل می گردد. در بیانیه شماره یک هیئت تدوین استانداردهای حسابداری آمریکا نیز بیان شده است صورت های مالی باید: "...اطلاعات مفیدی را برای سرمایه گذاران بالفعل و بالقوه در رابطه با اخذ تصمیمات اقتصادی، فراهم سازد... (بند ۳۴)" و "...اطلاعاتی را در مورد مبلغ، زمان بندی و ابهام در مورد جریان های نقدی آتی برای سرمایه گذاران بالفعل و بالقوه فراهم نماید... (بند ۳۷)". به علاوه از جریان های نقدی به عنوان یک عنصر کلیدی در بودجه بندی سرمایه ای یاد می شود. در تحقیق حاضر، کیفیت گزارش گری مالی از طریق اندازه گیری معیارهایی چون مدیریت سود، سلامت مالی شرکت و اهرم مالی محاسبه شده است که در ادامه بررسی خواهد شد.

مدیریت سود

مدیریت سود، گزارش گری مالی جانب دارانه و همراه با سوگیری است که بر اساس آن مدیران از روی عمد و تصمیم قبلی، در فرآیند تصمیم گیری مالی مداخله می کنند (Shipper, 1989). مدیریت سود زمانی اتفاق می افتد که مدیران از قضاوت های شخصی خود برای گزارش گری مالی استفاده می کنند و در نتیجه در ساختار مالی تغییراتی به وجود می آورند (Haley and Valen, 1999). به عبارت دیگر مدیریت سود، انتخابی است که بر اساس سیاست های حسابداری شرکت صورت می پذیرد تا شرکت به برخی از اهداف خاص مدیریت دست یابد (Scott, 1997).

سلامت مالی شرکت

سلامت مالی شرکت در معنای عام خود به معنای توانایی واحد تجاری در ایفای تعهدات می باشد. در مقابل سلامت مالی، ورشکستگی تعریف می شود. به طور کلی شرکت‌ها ممکن است به یکی از سه شکل مالی، اقتصادی و حقوقی با شکست مواجه شوند. در شکست مالی، ضعف در ایفای تعهدات در زمان سررسید، وجود حالت تنگنای مالی را نشان می دهد. معمولاً نشانه تنگنای مالی، فقدان سرمایه در گردش است. فقدان سرمایه در گردش، نشانه‌ای است که خود ناشی از علل دیگری مانند ساختار سرمایه‌ای ضعیف با استقراض جاری بیش از حد، هزینه عملیاتی بالا و امثال این موارد است. معمولاً بین شکست به معنی اقتصادی و شکست مالی و اعتباری فرق گذاشته می شود. به طور کلی، شکست تجاری همان شکست اقتصادی است، زیرا مؤسسه نتوانسته است برای سرمایه‌گذاری انجام شده، سودی مشابه آنچه که در جای دیگر قابل دسترسی است را تحصیل کند. شکست از نظر قانون، عدم توانایی ایفای تعهدات در سررسید نیست. قوانین شکست را این طور تعریف می کنند که کل دارائیه‌ها برای پرداخت کل بدهیها کافی نباشد (مهدی رسول زاده، ۱۳۸۱).

اهرم مالی

اهرم مالی معیاری برای اندازه گیری ساختار سرمایه می باشد که چه قدر در این ساختار از بدهی استفاده شده است. شرکت‌هایی که در ساختار سرمایه از بدهی استفاده می نمایند شرکت‌های اهرمی و شرکتی که از بدهی استفاده نکنند، شرکت غیر اهرمی اطلاق می شود.

تحقیقات انجام گرفته در خصوص رابطه دوره تصدی حسابرِس و کیفیت گزارش گری مالی

جانسون و دیگران در مطالعه ای که در سال ۲۰۱۰ در خصوص تغییر اجباری حسابرِس انجام دادند این سوال را که آیا دوره زمانی همکاری بین حسابرِس و صاحبکار (دوره تصدی حسابرِس) ارتباطی با کیفیت گزارش گری مالی دارد مطرح نمودند. آنها در این تحقیق از یک مدل اندازه گیری کیفیت گزارش گری مالی با تکیه بر (اندازه، سن، سلامت مالی و اهرم مالی) بهره گرفتند. آنها نمونه آماری خود را تنها از شش مؤسسه حسابرِسی بزرگ انتخاب نمودند. دوره تصدی حسابرِس و صاحبکار را براساس قوانین تعویض اجباری جامعه مورد مطالعه خود، به سه دوره کوتاه مدت تصدی بین دو تا سه سال، دوره میان مدت تصدی بین چهار تا هشت سال و دوره تصدی بلند مدت، نه سال و بیشتر تقسیم نمودند. بر پایه نتایج پژوهش آنها دوره تصدی کوتاه مدت حسابرِس موجب کاهش کیفیت گزارش گری مالی می شود. اما ارتباط معناداری بین کاهش کیفیت گزارش گری مالی و دوره تصدی بلند مدت حسابرِس وجود ندارد.

میرز وپالمروس (Mills & poual Moores, 2003) به بررسی تأثیر بالقوه چرخش مؤسسات حسابرسی روی کیفیت گزارش گری مالی از دیدگاه تجدید ارایه صورت های مالی پرداختند، مدارکی که نشانگر حمایت از این الزام باشد پیدا نکردند. در این رابطه به مقایسه شرکت هایی که صورت های مالی خود را تجدید ارایه کرده بودند و سایر شرکت ها پرداختند. آنها دریافتند احتمالاً شرکت های بالغ، دوره تصدی طولانی تر و تجدید ارایه کمتری دارند. آنها در نمونه اصلی رابطه معنی - داری بین دوره تصدی و احتمال تجدید ارایه مشاهده نکردند اما زمان کنترل سن شرکت، که نمونه را به چند گروه تقسیم کردند، رابطه معنی داری مشاهده شد. نتایج نشان می دهد که در نمونه اصلی، ارایه - های نادرست که افزایش سود را به دنبال ندارد با افزایش دوره تصدی کاهش می یابند. در حالی که ارایه های نادرست سودافزا، با افزایش مدت همکاری حسابرس و صاحبکار افزایش می یابند. البته در بررسی های بیشتر متوجه شدند نتایج مربوط به تجدید ارایه صورت های مالی سه ماهه می باشد. به عبارت دیگر رابطه معنی داری بین دوره تصدی حسابرس و افزایش در تجدید ارایه صورت های مالی سالانه وجود ندارد.

در مقابل نتایج تحقیقات استنلی (Stanley, 2007) نشان می دهد هرچه مدت رابطه حسابرس و صاحبکار طولانی تر شود، احتمال تجدید ارایه صورت های مالی کاهش می یابد. از طرفی نتایج تجزیه و تحلیل چند متغیره آنها بیانگر این موضوع است که تخصص و تجربه حسابرسان و همچنین حق الزحمه های حسابرسی رابطه معکوسی با احتمال تجدید ارایه صورت های مالی دارد.

کیم (kim, 2004) تأثیر پدیده تغییر حسابرس بر مدیریت سود را در بازار کره مورد بررسی قرار دادند. در کره برای شرکت هایی که انتظار می رود انگیزه بالایی برای مدیریت سود وجود داشته باشد حسابرسان مشخصی توسط مقامات قانونی انتخاب می شوند. بدین ترتیب از سال ۱۹۹۱ تا سال ۲۰۰۰، ۱۷ تا ۱۵ درصد شرکت های پذیرفته شده در بورس کره مجبور به تغییر حسابرس خود شدند. تحقیقات آنها نشان می دهد که میزان اقلام تعهدی اختیاری برای شرکت هایی که ملزم به تغییر حسابرس شدند نسبت به سایر شرکت ها پایین تر است. از طرف دیگر، میزان اقلام تعهدی اختیاری برای شرکت هایی که مجبور به تعویض حسابرس می شوند نسبت به شرکت هایی که داوطلبانه حسابرس خود را تعویض کرده اند، پایین تر بود. یافته های آنها تأییدی بر این دیدگاه بود که تغییر حسابرس، کیفیت حسابرسی و در نهایت قابلیت اتکای گزارش گری مالی را بالا می برد.

چانگ (Chang, 2004) نیز به نتایج مشابهی دست یافت. او با بهره گیری از اقلام تعهدی اختیاری تأثیر دوره تصدی حسابرس را بر سود و کیفیت حسابرسی آزمون کرد. به این ترتیب تعدادی از

شرکت های پذیرفته شده در بورس کره را در فاصله زمانی ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۵ انتخاب کرد. وی در این حال سال ۱۹۹۰ سالی که در آن تغییر حسابرس الزامی شده بود از نمونه خود کنار گذاشت. نتایج نشان می دهد میزان ارقام تعهدی اختیاری بعد از تدوین قانون تغییر اجباری کاهش می یابد. به اعتقاد او ایجاد محدودیت روی مدت رابطه حسابرس وصاحبکار می تواند منجر به انگیزه بیشتر حسابرسان در حفظ استقلال باشد. او با اتکا به یافته هایش اعتقاد داشت با کاهش دوره تصدی کیفیت حسابرسی بهبود می یابد.

چن (Chen,2004) در بررسی رابطه دوره تصدی شریک ومؤسسه حسابرسی با کیفیت سود مشاهده کردند، قدرمطلق ارقام تعهدی اختیاری با افزایش دوره تصدی شریک کاهش ودر نتیجه کیفیت سود بهبود می یابد. البته نتایج آزمون های اضافی نشان می دهد زمانی که چرخش شریک الزامی است رابطه معنی داری بین دوره تصدی مؤسسه حسابرسی و کیفیت سود وجود ندارد. به اعتقاد آنها اگر قانونی مبنی بر چرخش شرکای حسابرسی الزامی شود چرخش مؤسسات حسابرسی ضرورتی نخواهد داشت.

چن (Chen,2003) در بررسی اثر بخشی چرخش شریک حسابرسی در ارتقای کیفیت حسابرسی دریافتند که تدوین چنین قانونی با آمیخته ای از اثرات مثبت ومنفی همراه است. آنها نیز با استفاده از مقادیر قدرمطلق وعلامت دار ارقام تعهدی غیر عادی و ارقام تعهدی عادی سرمایه در گردش به عنوان معیارهایی برای کیفیت حسابرسی مشاهده کردند کیفیت حسابرسی شرکت هایی که در سال ۲۰۰۴ ملزم به تغییر شریک خود شدند نسبت به سایر شرکت ها بالاتر است. با این وجود از کیفیت حسابرسی در سال ۲۰۰۳ و تحت نظارت شرکای قبلی کمتر است. آنها با بهره گیری از ضریب واکنش سود به عنوان یک معیار برای برداشت سرمایه گذار از کیفیت حسابرسی دریافتند که چرخش شرکا، استقلال ظاهری و برداشت از کیفیت حسابرسی را بهبود می بخشد.

دیویس وهمکاران (Davis, 2000) در بررسی رابطه دوره تصدی ومدیریت سود به این نتیجه رسیدند که یک رابطه مثبت ومعنادار بین دوره تصدی و قدرمطلق ارقام تعهدی اختیاری وجود دارد. ونیز یک رابطه منفی معنادار بین دوره تصدی و قدرمطلق خطاهای پیش بینی تحلیل گران نیز موجود است.

عزیزخانی وهمکاران (Azizkhanini,2007) با نمونه گیری از شرکت های استرالیایی در فاصله زمانی ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۵ به بررسی این موضوع پرداختند که آیا دوره تصدی حسابرس، تغییر مؤسسه حسابرس و شریک حسابرسی می تواند به برداشت تحلیل گران از قابلیت اتکای گزارش گری مالی

تأثیر داشته باشد؟ آنها به منظور سنجش برداشت تحلیل‌گران از قابلیت اتکای گزارش‌گری مالی از معیار هزینه سرمایه مالکان استفاده کردند به اعتقاد آنها اجرای حسابرسی با کیفیت بالا با فراهم کردن یک تأیید مناسب از گزارشات مالی می‌تواند قابلیت اتکای آنها را افزایش دهد.

کری و سایمنت (Kerry and Saiment, 2006) به دنبال نگرانی که در سطح جهان در رابطه با کیفیت حسابرسی وجود داشت سعی در تأیید این امر داشتند که هرگونه الزام محدود کننده درباره دوره تصدی حسابرسان خواهد توانست کیفیت حسابرسی را بهبود بخشد. آنها با استفاده از اطلاعات موجود در بازار استرالیا این موضوع را تأیید کردند. آنها در بررسی رابطه کیفیت حسابرسی و دوره تصدی شریک حسابرسی از سه معیار بهره بردند. تمایل حسابرسان در انتشار اظهار نظر تداوم فعالیت برای شرکت‌هایی که از لحاظ مالی در وضعیت مناسبی به سر نمی‌برند، با شاخص‌های ارقام تعهدی غیر عادی سرمایه در گردش و معیارهایی از مدیریت سود اندازه‌گیری شد. نتایج نشان می‌داد در دوره‌های تصدی طولانی شریک حسابرسی، حسابرسان تمایل کمتری برای اظهار نظر تداوم فعالیت دارند و نتایجی از مدیریت سود نیز یافتند. البته مدارکی مبنی بر اینکه دوره تصدی طولانی با ارقام تعهدی سرمایه در گردش رابطه دارد یافت نشد.

لون سن (Lyon Sen, 2007) با بررسی محیط حسابداری ایالت فلوریدا و مقایسه واحدهایی که حسابرسان خود را تغییر داده بودند و واحدهایی که رابطه طولانی مدت با حسابرسان خود داشتند به این نتیجه رسیدند واحدهایی که حسابرسان خود را تغییر داده‌اند. گزارشات با کیفیت بالاتری را دارا هستند.

نتایج تحقیقات لنوکس (Lennox, 1984) نشان می‌دهد تعویض حسابرسان، دقت و صحت گزارشات حسابرسان را کاهش می‌دهد. الیتیز (Lethys, 1996) و گیروکس (Giroux, 1992) نیز در تحقیقات خود به این نتیجه رسیدند که کیفیت حسابرسی به طور منفی تحت تأثیر سیاست چرخش اجباری حسابرسان است.

تحقیقات صورت گرفته در ایران

منابع اطلاعاتی موجود در رابطه با پژوهش‌های صورت گرفته در ایران حاکی از این است که تا تاریخ تهیه این پژوهش، تحقیقی در زمینه ارزیابی تأثیر دوره تصدی حسابرسان بر کیفیت گزارش‌گری مالی انجام نشده است.

یحیی حساس یگانه، سلیمی و محمودی (۱۳۹۵) در پژوهشی به بررسی رابطه بین ویژگی‌های کیفی حسابرسی (اندازه حسابرِس، تخصص صنعت حسابرِس و دوره تصدی حسابرِس) با اندازه صاحبکار و هزینه حقوق صاحبان سهام پرداختند. مطابق با یافته‌های پژوهش بین اندازه حسابرِس و دوره تصدی حسابرِس با هزینه حقوق صاحبان سهام رابطه منفی وجود دارد و این رابطه برای شرکت‌های کوچک قوی تر است، به عبارتی با افزایش دوره تصدی حسابرِس، هزینه حقوق صاحبان سهام کاهش می‌یابد و این کاهش برای شرکت‌های کوچک تر قوی تر است.

فرضیه‌های تحقیق

در این پژوهش با توجه به آنچه که در مبانی نظری پیرامون دوره تصدی حسابرِس و ارتباط آن با کیفیت گزارش گری مالی مطرح شد، فرضیات تحقیق به شرح ذیل بیان می‌گردد:

فرضیه اصلی تحقیق: کیفیت گزارش گری مالی در دوره تصدی کوتاه مدت مؤسسه حسابرسی بیشتر از دوره تصدی بلند مدت است.

فرضیه فرعی تحقیق: کیفیت گزارش گری مالی در دوره تصدی میان مدت مؤسسه حسابرسی بیشتر از دوره تصدی بلند مدت است.

روش تحقیق

روش تحقیق استقرایی - پس رویدادی است که برای جمع آوری داده‌ها از صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران که حداقل برای پنج دوره مالی متوالی توسط یک مؤسسه حسابرسی خاص مورد حسابرسی قرار گرفته اند استفاده شده است. تحقیق حاضر با توجه به دسته‌بندی مختلف تحقیقات از نوع همبستگی است. در این تحقیق برای آزمون وجود رابطه بین متغیرها و همچنین معنی دار بودن مدل ارائه شده برای توضیح متغیر وابسته از تحلیل رگرسیون استفاده شده است و جهت مقایسه کیفیت گزارش گری مالی در دوره‌های مختلف تصدی، از میانگین رتبه به دست آمده مدل جونز اولیه استفاده شده است.

متغیرهای تحقیق

متغیر وابسته در تحقیق حاضر کیفیت گزارش گری مالی می‌باشد که با استفاده از مدل اولیه جونز در تحقیق حاضر سنجیده شده است.

متغیرهای مستقلی که اثر آنها بر کیفیت گزارش‌گری مالی مورد بررسی قرار می‌گیرند عبارتند از:

وجوه نقد عملیاتی: به آن دسته از جریانهای نقدی اطلاق می‌شود که از فعالیتهای اصلی مولد درآمد عملیاتی واحد تجاری ناشی می‌شود.

مجموع دارایی‌ها در سال قبل: دارایی عبارت است از حقوق نسبت به منافع اقتصادی آتی یا سایر راه‌های دستیابی مشروع به آن منافع که در نتیجه معاملات و یا سایر رویدادها به کنترل واحد تجاری درآمده است.

مجموع دارایی‌ها در سال قبل از آن جهت بر کیفیت گزارش‌گری مالی اثر گذار است که آنالیز نوسانات آن نسبت به سال قبل می‌تواند اطلاعاتی در باره چگونگی تصمیمات مدیریت در خصوص نحوه مدیریت دارایی‌ها در جهت اهداف سود آوری شرکت ارائه نماید. مدیریت دارایی‌ها به طور مستقیم از طریق تحصیل یا فروش دارایی‌های مولد درآمد عملیاتی شرکت و به صورت غیر مستقیم از طریق سود و زیان ناشی از تحصیل یا فروش آنها (منعکس در سایر درآمدهای غیر عملیاتی) بر سود آوری واحد تجاری تأثیر گذار می‌باشد.

اندازه شرکت (لگاریتم دارایی‌ها): در پژوهش حاضر اندازه شرکت، لگاریتم دارایی‌ها تعریف شده است.

نسبت مجموع بدهی‌ها به مجموع دارایی‌ها: این نسبت نشان می‌دهد که در مقابل هر یک ریال دارایی چند ریال بدهی وجود دارد. به عبارت دیگر چند درصد از دارایی‌های شرکت را بدهی‌ها (تعهد انتقال منافع اقتصادی به خارج از واحد تجاری) تشکیل می‌دهد.

مدل ورشکستگی آلتمن: در مدل آلتمن برای پیش‌بینی وقوع ورشکستگی، از روش تجزیه و تحلیل نسبت‌ها استفاده شده است. این مدل از پنج نسبت مالی که به روش تجزیه و تحلیل ممیزی، ضریب‌دار شده‌اند و به صورت یک تابع که نسبت‌های مالی به عنوان متغیرهای مستقل آن هستند، به اجرا درآمده است. یکی از معیارهای که انتظار می‌رود تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر کیفیت گزارش‌گری مالی داشته باشد، سلامت مالی شرکت می‌باشد. با توجه به تحقیقات انجام شده یکی از بهترین معیارهای ارزیابی سلامت مالی شرکت مدل ورشکستگی آلتمن می‌باشد.

تعداد سالهای پذیرش شرکت در بورس اوراق بهادار: این باور عمومی وجود دارد که شرکت‌هایی که سابقه بیشتری در بورس اوراق بهادار دارند عملکرد نسبتاً مناسب‌تری داشته و یا دست کم با توجه

به وجود اطلاعات تاریخی بیشتر در خصوص این شرکت ها عملکرد آتی آنان را با توجه به روند اطلاعات در گذشته بهتر می توان ارزیابی کرد .

دوره تصدی مؤسسه حسابرسی: دوره تصدی مؤسسه حسابرسی تعداد سالهایی است که شرکت حسابرس خود را تغییر نداده است. با توجه به قانون تعویض اجباری مؤسسات حسابرسی که بیش از ۴ سال متوالی وظیفه حسابرسی صورت های مالی یک صاحبکار را برعهده دارند وبا استفاده از تحقیقات انجام شده در گذشته تعداد سالهای تصدی مؤسسه حسابرسی به شرح ذیل به سه دوره تصدی تفکیک گردیده است

دوره تصدی کوتاه مدت مؤسسه حسابرسی: دوره تصدی کوتاه مدت مؤسسه حسابرسی در این تحقیق، یک تا دو سال تعریف شده است.

دوره تصدی میان مدت مؤسسه حسابرسی: دوره تصدی میان مدت مؤسسه حسابرسی در این تحقیق، سه تا چهار سال تعریف شده است.

دوره تصدی بلند مدت مؤسسه حسابرسی: دوره تصدی بلند مدت مؤسسه حسابرسی در این تحقیق، بیش از چهار سال تعریف شده است.

مدل تحقیق

اندازه گیری کیفیت گزارش گری مالی در تحقیق حاضر در قالب یک مدل مفهومی به شرح ذیل بیان می گردد:

$$UA_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 OCF / A_{i,t-1} + \beta_2 LA_{i,t} + \beta_3 LEV_{i,t} + \beta_4 FC_{i,t} + \beta_5 AGE_{i,t} + \beta_6 SHORT_{i,t} + \beta_7 LONG_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

که:

UA = قدر مطلق اقلام تعهدی غیر منتظره (اختیاری) برای شرکت i در سال t است.
 قدر مطلق اقلام تعهدی غیر منتظره (اختیاری) که در پژوهش حاضر به عنوان معیار اندازه گیری کیفیت گزارش گری مالی، تعریف می گردد؛ با استفاده از مدل اولیه جونز به شرح ذیل محاسبه می شود:

$$UA_{i,t} = TA_{it} / A_{it-1} - \{ \phi_{1jt} (1 / A_{it-1}) + \phi_{2jt} [\Delta REV_{it} - \Delta AR_{it}] / A_{it-1} \} + \phi_{3jt} (PPE_{it} / A_{it-1})$$

TA=کل اقلام تعهدی

کل ارقام تعهدی بر پایه مدل جونز، تفاوت سود خالص قبل از ارقام غیر مترقبه و وجوه نقد حاصل از عملیات تعریف می گردد، که به قرار ذیل محاسبه می شود:

$$TA = E - OCF$$

$A =$ مجموع دارایی ها در سال قبل،

$AR =$ حسابهای دریافتی،

$REV =$ کل درآمد فروش

$PPE =$ نسبت جمع دارایی های غیر جاری به دارایی ها در اول دوره

سایر متغیرهای مورد اشاره در مدل اصلی عبارتند از:

$OCF =$ وجوه نقد عملیاتی برای شرکت i در سال t

$A_{it-1} =$ مجموع دارایی ها برای شرکت i در سال $t-1$

$LA =$ لگاریتم دارایی ها برای شرکت i در سال t

$LEV =$ نسبت مجموع بدهی ها به مجموع دارایی ها برای شرکت i در سال t

$FC =$ پاسخ مدل ورشکستگی آلتمن برای شرکت i در سال t

$AGE =$ تعداد سالهای پذیرش شرکت i در بورس اوراق بهادار در سال t

$SHORT$ otherwiser = عدد یک در صورتی که دوره تصدی مؤسسه حسابرسی کوتاه مدت می باشد و در غیر این صورت صفر.

$LONG =$ عدد یک در صورتی که دوره تصدی مؤسسه حسابرسی بلند مدت می باشد و در غیر این صورت صفر.

طریقه محاسبه کیفیت گزارش گری مالی در مدل فوق بدین گونه است :

اطلاعات مربوط به هر شرکت بر اساس متغیرهای مدل تحقیق که در بازه زمانی ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۰ حداقل به مدت پنج دوره مالی متوالی مورد تصدی یک مؤسسه حسابرسی مشخص قرار گرفته اند، در پنل دیتا قرار گرفته و در غالب محاسبه آماری مدل رگرسیونی ارایه شده در تحقیق معنی دار بودن هر یک از متغیرها از طریق آزمون رگرسیون چندگانه سنجیده شده است. براین اساس کیفیت گزارش گری مالی در دوره های یک تا دو ساله (دوره تصدی کوتاه مدت) سه تا چهار ساله (دوره تصدی میان مدت) و بیش از چهار سال (دوره تصدی بلندمدت) براساس فرضیات تحقیق و با استفاده

از آزمون های دانکن و من ویتنی در دوره مورد مطالعه با یکدیگر مقایسه خواهد شد. بدین ترتیب به این سوال کلی پاسخ داده خواهد شد که شرکت ها و مؤسسات حسابرسی در کدامیک از دوره های تصدی کیفیت گزارش گری مالی بهتری را ارائه داده اند.

لازم به توضیح است که مدل ورشکستگی آلتمن به طریق ذیل محاسبه می گردد .

FC is the Altman-Z' computed as. $.717 * (\text{working capital} / \text{total assets}) + .847 * (\text{retained earnings} / \text{total assets}) + 3/1 * (\text{earnings before interest and taxes} / \text{total assets}) + .4 * (\text{book value of equity} / \text{book value of total debt}) + .988 * (\text{sales} / \text{total assets})$

$3/1 * (\text{کل دارایی ها} / \text{سود انباشته}) + .847 * (\text{کل دارایی ها} / \text{سرمایه در گردش}) + .771 * (\text{محاسبه مدل آلتمن ارزش دفتری بدهیها} / \text{ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام}) + .4 * (\text{کل دارایی ها} / \text{سود قبل از بهره و مالیات}) + .988 * (\text{کل دارایی ها} / \text{فروش})$

جامعه و نمونه آماری پژوهش

جامعه آماری این تحقیق شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. شرکت هایی در جامعه آماری قرار گرفته اند که شرایط ذیل در مورد آنها صدق می کند :

۱. طی دوره زمانی تحقیق حداقل به مدت پنج دوره متوالی مورد تصدی یک مؤسسه حسابرسی مشخص قرار گرفته اند.

۲. بانک ها و شرکت های سرمایه گذاری به واسطه فعالیت خاص کنار گذاشته شده اند.

۳. شرکتهایی که به دلایل ورشکستگی طی دوره مورد بررسی از تابلو بورس حذف شده اند با توجه به ماهیت تحقیق حذف گردیده اند.

۴. اطلاعات مورد نیاز آنها در دسترس باشد.

با توجه به مجموع شرایط فوق ۱۰۳ شرکت در دوره زمانی ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۰ انتخاب شدند. کلیه اطلاعات مورد نیاز از طریق سایت های بورس اوراق بهادار تهران، نرم افزار تدبیر پرداز و ره آورد نوین و همچنین گزارشات حسابرس مستقل و بازرس قانونی شرکت ها استخراج گردیده است.

یافته های پژوهش

الف) آمار توصیفی

متوسط دوره تصدی حسابرس در جامعه تحقیق ۷/۵ سال می باشد با توجه به بازه زمانی تحقیق حداقل دوره تصدی تحقیق ۵ سال و حداکثر زمان دوره تصدی ۱۰ سال در نظر گرفته شده است.

جدول شماره (۱): ترکیب گروه های تصدی

ردیف	گروه	دوره تصدی حسابرس	مشاهدات	درصد
۱	یک تا دو سال	کوتاه مدت	۲۰۷	۲۷٪
۲	سه تا چهار سال	میان مدت	۲۰۴	۲۷٪
۳	بیش از چهار سال	بلندمدت	۳۶۰	۴۶٪
جمع			۷۷۱	۱۰۰

جدول شماره (۲): تعداد شرکت های جامعه مورد مطالعه به تفکیک طول دوره

ردیف	طول دوره تصدی	تصدی مؤسسات عضو جامعه حسابداران رسمی	تعداد شرکت	درصد
۱	۱۰	۷	۹	۸٪
۲	۹	۸	۱۴	۱۳٪
۳	۸	۲۶	۳۰	۳۰٪
۴	۷	۱۶	۲۱	۲۰٪
۵	۶	۱۵	۱۷	۱۷٪
۶	۵	۱۰	۱۲	۱۲٪
جمع	۶۷	۱۰۳	۱۰۰٪

ب) استخراج مدل برآوردی تحقیق

برای برآورد مدل مناسب از روش گام به گام استفاده شده است (در این روش متغیرهای مستقل به ترتیب معناداری وارد مدل میشوند تا هنگامی که تمام متغیرهای معنادار وارد مدل گردند). با استفاده از این مدل آزمون معنی داری در ۵ مرحله انجام شد که در نتیجه در مدل نهایی ۵ متغیر از ۸ متغیر در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار شده و مدل برآوردی به شرح ذیل است

$$UA_{i,t} = \beta_0 - 0.0575OCF_{i,t} + 0.1181LA_{i,t} + 0.2113FC_{i,t} + 0.2777SHORT_{i,t} - 0.1239TYPE_{i,t}$$

ج) مقایسه میانگین رتبه متغیر مستقل در دوره های مختلف تصدی از طریق آزمونهای ناپارامتریک و پارامتریک جهت پاسخ به فرضیات تحقیق

با توجه به نتایج به دست آمده از آزمون نرمالیتی متغیر وابسته متغیر UA از توزیع نرمالی پیروی نمی کند در نتیجه به منظور مقایسه میانگین رتبه در دوره های مختلف تصدی بایستی از آزمونهای ناپارامتریک استفاده کرد. از سوی دیگر لگاریتم UA دارای توزیع نرمال است بنابراین جهت مقایسه میانگین رتبه باید از آزمون های پارامتریک استفاده کرد.

در این بخش با استفاده از دو تحلیل ارایه شده در فوق آزمونهای پارامتریک و ناپارامتریک به ترتیب جهت متغیر های لگاریتم UA به انجام رسیده که نتایج آزمون ها یکدیگر را پشتیبانی می کنند

ج-۱) تحلیل پارامتریک مقایسه دو به دو سه سطح تصدی (آزمون دانکن)

Subset for alpha =/1		N	دوره تصدی
1	2		
	-۲.۷۲۵۱	۲۰۴	میان مدت
	-۲.۷۰۵۳	۳۶۰	بلندمدت
-۲.۴۹۶۹		۲۰۷	کوتاه مدت
۱	۰.۸۶۲		sig

Means for grotsup in homogeneous subsets are displayed
 a. Uses Harmonic Mean Sample Size =232/142
 b. The group sizes are unequal. The harmonic mean of the group size is used . Type I error levels are not quaranteed

مقادیر میانگین $LN|UA|$ برای سطوح میان مدت و بلند مدت تفاوت معناداری با هم نداشته اما این دو دوره تصدی مقدار میانگین کمتری نسبت به شرکتها با دوره تصدی کوتاه دارند به عبارت دیگر شرکتها با دوره تصدی کوتاه مدت مقدار میانگین $LN|UA|$ بیشتری نسبت به شرکتها با دوره تصدی میان مدت و بلند مدت دارند.

ج-۲) تحلیل پارامتریک مقایسه دو به دو بسته به نوع مؤسسه حسابرسی (آزمون دانکن)

جهت مقایسه میانگینها ابتدا آزمون همسانی واریانسها (آزمون لون) انجام شده و خلاصه نتایج آزمونهای فوق به شرح ذیل می باشد:

independent samples test						
t-test for Equality of Means			Levenes Test for		شرایط	دوره تصدی
sig (2-tailed)	df	t	sig	F		
۰.۳۴۸	۲۰۵	-۰.۹۴	۰.۰۱۳	۶.۲۳۲	Equal Variances assumed	کوتاه مدت
۰.۳۰۵	۱۸۸	-۱.۰۲۸			Equal Variances not assumed	
۰.۰۰۶	۲۰۲	۲.۷۷۵	۰.۰۰۲	۱۰.۱۱۴	Equal Variances assumed	میان مدت
۰.۰۱۳	۱۱۰	۲.۵۲۴			Equal Variances not assumed	
۰.۰۲۸	۳۱۵	۲.۱۸۵	۰.۰۴۸	۰.۲۷۳	Equal Variances assumed	بلندمدت
۰.۰۲۸	۲۶۹	۲.۱۸۵			Equal Variances not assumed	

ج-۳) مقایسه دو به دو رتبه در دو سطح تصدی کوتاه مدت و بلند مدت با استفاده از تحلیل نا پارامتریک (آزمون من ویتنی)

RANKS			
sum of rank	mean rank	N	دوره تصدی
۵۸۵۹۲	۲۸۳.۰۵	۲۰۷	کوتاه مدت
۸۰۰۱۱	۲۴۸.۸۱	۳۲۰	بلند مدت
		۵۶۷	جمع

Test statics (a)	
Mann-Whitney U	۲۸۹۶۵
Wilcoxon W	۸۰۰۱۱
Z	-۲.۳۷۵
Asymp.sig (۲-tailed)	۰.۰۱۶

a. Grouping Variable (دوره تصدی)

مقدار احتمال معناداری در دوره بلند مدت و کوتاه مدت برابر با 0/016 است یعنی تفاوت بین شرکتهای کوتاه مدت و بلند مدت در سطح اطمینان 95 درصد وجود داشته و مقدار میانگین در دوره تصدی کوتاه مدت بیشتر است.

د-۴) مقایسه دو به دو رتبه در دو سطح تصدی میان مدت و بلند مدت (آزمون من ویتنی):

RANKS			
sum of rank	mean rank	N	دوره تصدی
۵۳۴۷۶	۲۶۲.۱۴	۲۰۴	میان مدت
۸۳۵۴۸	۲۵۸.۹۱	۳۶۰	بلند مدت
		۵۶۴	جمع

Test statics (a)	
	UA
Mann-Whitney U	۳۲۵۰۹
Wilcoxon W	۸۳۳۵۴۸
Z	-.۰۱۵
Asymp.sig (۲-tailed)	.۰۹۸۳

a. Grouping Variable (دوره تصدی)

مقدار احتمال معناداری در دوره بلند مدت و میان مدت برابر با 0/983 است یعنی تفاوت بین شرکت‌های میان مدت و بلند مدت در سطح اطمینان 95 درصد وجود ندارد.

تفسیر فرضیات تحقیق بر اساس نتایج آماری

فرضیه اصلی تحقیق: کیفیت گزارش گری مالی در دوره تصدی کوتاه مدت مؤسسه حسابرسی بیشتر از دوره تصدی بلند مدت است.

یافته های حاصل از آزمون های دانکن و من ویتنی (که در تأیید یکدیگر انجام شده اند) بیانگر تأیید فرضیه اصلی تحقیق است.

نتایج تحقیق حاکی از کیفیت بیشتر گزارش گری مالی در دوره تصدی کوتاه مدت (بین یک تا دو سال) مؤسسه حسابرسی نسبت به دوره تصدی بلند مدت (بیش از چهار سال) می باشد. معمولاً در سال های اولیه حسابرسی، حسابرس سعی می کند شناخت کامل نسبت به محیط مالی و عملیاتی شرکت پیدا کند و پرونده های دائمی قابل اتکایی برای حسابرسی سنوات آتی نیز تهیه نماید. معمولاً فرآیند انجام حسابرسی های نخستین طولانی تر و ساعات کار برنامه ریزی شده برای انجام حسابرسی های نخستین نیز بیشتر است. شرکا و مدیران مؤسسه سعی می کنند تمامی ریسک های با اهمیت صاحبکار را مورد شناسایی قرار دهند و در انجام عملیات حسابرسی بسیار محتاطانه رفتار می کنند. به طور کلی و به طور ناخود آگاه پس از سال های اولیه انجام حسابرسی، حسابرس پیش زمینه ذهنی و به

مرور زمان اطمینان خاطر نسبی نسبت به فعالیت های مالی و عملیاتی صاحبکار پیدا می کند، در نتیجه ممکن است او تلاش های جستجو گرایانه خود را کاهش دهد و این امر منجر به عدم کشف اشتباهات و تقلب صاحبکار شود.

فرضیه فرعی تحقیق (کیفیت گزارش گری مالی در دوره تصدی میان مدت مؤسسه حسابرسی بیشتر از دوره تصدی بلند مدت است)

یافته های حاصل از آزمون های دانکن و من ویتنی (که در تأیید یکدیگر انجام شده اند) بیانگر عدم وجود ارتباط معنی دار بین دو دوره مزبور بوده که در نتیجه فرضیه فوق رد می شود.

پیشنهادات بر مبنای فرضیات تحقیق

۱) با توجه به نتایج پژوهش حاضر و بر اساس فرضیه اصلی تحقیق، کیفیت گزارش گری مالی در دوره تصدی کوتاه مدت حسابرسی (یک تا دو سال) بیش از دوره تصدی بلند مدت (بیش از چهار سال) می باشد. بنابراین سیاست تغییر مؤسسه حسابرسی پس از چهار سال تصدی متوالی که تحت عنوان دستورالعمل مؤسسات حسابرسی معتمد سازمان بورس و اوراق بهادار در تاریخ ۱۳۸۶/۵/۸ به تصویب شورای عالی بورس رسید و از سال ۱۳۹۰ لازم الاجرا گردیده به طور کلی موثر ارزیابی می شود. پژوهش حاضر خلا فقدان تحقیقات دانشگاهی مبتنی بر مدل اندازه گیری در خصوص سیاست مذکور را برطرف نموده و آن را از پشتوانه تئوریک برخوردار می سازد. با این وجود با توجه به نتایج به دست آمده از فرضیه دوم ارتباط معنی داری بین کیفیت گزارش گری مالی در دوره تصدی میان مدت (سه تا چهار سال) و بلند مدت (بیش از چهار سال) وجود ندارد. هر چند نتایج تحقیق موید کیفیت بیشتر گزارش گری مالی در دوره تصدی کوتاه مدت است اما طول دوره چهار ساله مقرر در دستورالعمل را مطلوب ارزیابی نمی کند. در این راستا پیشنهاد می شود سازمان بورس با انجام تحقیقات نظری، بازه زمانی چهار ساله برای تغییر مؤسسه حسابرسی را تجدید نظر و کاهش در کیفیت گزارش گری مالی را که متناسب با افزایش طول دوره تصدی مؤسسه حسابرسی محقق می گردد را با سیاست هایی همچون چرخش اجباری شریک و مسئول کار مؤسسات حسابرسی جبران نماید. حساس یگانه، محمودی و همکاران (۱۳۹۵) با بررسی موضوع رابطه دوره تصدی حسابرسی با هزینه حقوق صاحبان سهام به این نتیجه رسیدند که با افزایش دوره تصدی مؤسسات حسابرسی در ایران، هزینه حقوق صاحبان سهام صاحبکار کاهش می یابد. بنابراین با توجه به اینکه ضروری است که با توجه به عدم تناسب

۲) با توجه به اینکه چرخش اجباری حسابرس پس از ۴ سال برای صورت های مالی منتهی به ۱۳۹۱ و بعد از آن لازم اجراست پیشنهاد می شود در سنوات پس از اجرای این قانون، مطالعه تطبیقی میان کیفیت گزارش گری مالی شرکت های بورسی برای بازه زمانی قبل و بعد از اجرای آن انجام شود تا کارایی این مساله پس از اجرا نیز بررسی شود.

۳) با توجه به اینکه در دستورالعمل مؤسسات حسابرسی معتمد سازمان، سازمان حسابرسی و مؤسسه حسابرسی مفید راهبر از شمولیت تغییر مؤسسه حسابرسی پس از ۴ سال استثنا شده اند، پیشنهاد می شود در تحقیق مجزایی به مقایسه کیفیت گزارش گری مالی میان مؤسسات خصوصی عضو جامعه حسابداران رسمی و مؤسسات فوق الذکر پرداخته شود.

نتیجه گیری

در این پژوهش تأثیر دوره تصدی کوتاه مدت (بین یک تا دو سال)، میان مدت (بین سه تا چهار سال) و بلندمدت (بیش از چهار سال) مؤسسات حسابرسی بر کیفیت گزارش گری مالی مورد بررسی قرار گرفت. وجود تفاوت معنادار در کیفیت گزارشگری مالی در دوره های تصدی کوتاه مدت و بلند مدت مؤسسات حسابرسی، بیانگر آن بود که کیفیت گزارش گری مالی در دوره های تصدی کوتاه مدت بیشتر است. با توجه به نتایج پژوهش سیاست تغییر مؤسسه حسابرسی پس از چهار سال تصدی متوالی که تحت عنوان دستورالعمل مؤسسات حسابرسی معتمد سازمان بورس و اوراق بهادار در تاریخ ۱۳۸۶/۵/۸ به تصویب شورای عالی بورس رسید و از سال ۱۳۹۰ لازم الاجرا گردید به طور کلی موثر ارزیابی می شود. از طرفی طول دوره چهارساله مقرر در دستورالعمل مطلوب ارزیابی نمی شود و باید سازمان بورس با انجام تحقیقات نظری، بازه زمانی چهار ساله برای تغییر مؤسسه حسابرسی را تجدید نظر و کاهش در کیفیت گزارش گری مالی را که متناسب با افزایش طول دوره تصدی مؤسسه حسابرسی محقق می گردد را با سیاست هایی همچون چرخش اجباری شریک و مسئول کار مؤسسات حسابرسی جبران نماید.

منابع و مآخذ

۱. بزرگ اصل، موسی. (۱۳۸۸). "بیانیه مفاهیم استقلال-چارچوب نظری استقلال حسابرسی/هیئت استانداردهای استقلال"، مجله حسابر، ۷۸-۷۲.
۲. بذرافشان، آمنه. (۱۳۸۸). "بررسی رابطه تصدی حسابرسان و گزارش گری سودهای محافظه کارانه در شرکت های بورس اوراق بهادار تهران". فصلنامه بورس اوراق بهادار، شماره ۷.
۳. حساس یگانه، یحیی. (۱۳۸۶). کیفیت حسابرسی: مروری بر ادبیات و تحقیقات، مجله بورس، شماره ۶۶.
۴. حساس یگانه، یحیی. (۱۳۸۹). "رابطه بین کیفیت حسابرسی و اندازه مؤسسه حسابرسی". مجله بررسی های حسابداری و حسابرسی. شماره ۶۱.
۵. حساس یگانه، یحیی، سلیمی، محمد جواد، محمودی، مهدی. (۱۳۹۴). "رابطه بین ویژگی های کیفی حسابرسی و هزینه حقوق صاحبان سهام (با توجه به اندازه صاحبکار)"، فصلنامه بورس اوراق بهادار، شماره ۳۱ سال ۸، ص ۱۱۳ تا ۱۴۰.
۶. حساس یگانه، یحیی. (۱۳۸۵). فلسفه حسابرسی، انتشارات علمی و فرهنگی.
۷. خستویی، فرهنگ. (۱۳۸۵). چرخش حسابرسان در گفتگو با کارشناسان بورس مطرح شد، روزنامه سرمایه، شماره ۴۳۷.
۸. رجبی، روح الله. (۱۳۸۵). چالش های تعویض حسابر، حسابدار رسمی، شماره ۸، ۶۲-۵۳.
۹. رسول زاده، مهدی. (۱۳۸۱). "مدل های پیش بینی ورشکستگی آلتمن"، حسابدار، شماره ۱۴۸.
۱۰. مدرس، احمد، حصازاده، رضا. (۱۳۸۸). "کیفیت گزارش گری مالی و کارایی سرمایه گذاری"، فصلنامه بورس اوراق بهادار، سال ۱ شماره ۲.
۱۱. والاس، واندا ای. ترجمه امیر اصلانی نقش اقتصادی حسابرسی در بازار های آزاد و بازار های تحت نظارت. چاپ سوم. سازمان حسابرسی ۱۳۸۱.
12. Arrunda B. and Paz-Areas c. (1997). "Mandatory rotation of company auditors: A critical examination". International Review of Law and Economics, Vol.17, Issue 2, pp.205-224
13. Bates, H.L. Ingram, R.W. and Reckers, M.J. (2002). "Auditor client affiliation: the impact on <materiality>" (a study of the effect of auditor rotation on materiality judgment). Journal of Accountancy, pp.60-63
14. Chen, C.Y., C. J. Lin., and Y.C. Lin (2004) "Audit partner tenure, audit firm tenure and discretionary accruals, does long auditor tenure impair earning quality?" Working paper, Hong Kong University of Science and Technology.
15. Choi, J.H., and R Doogar. (2005). "Auditor tenure and audit quality: evidence from going-concern qualifications issued during 1996-2001" Working paper,

- Hong Kong University of Science and Technology, University of Illinois at Urbana-Champaign.
16. Copley P. and Doucet M.S. (1993) "Auditor Tenure, Fixed Fee contracts, and the Supply of Substandard Single Audits". *Public Budgeting & Finance*, Vol.13, Issue 3, pp-23-36
 17. Dopuch N., King R. and Schwartz R. (2001). "An experimental investigation of retention and rotation Requirements". *Journal of Accounting Research*, Vol. 39, Issue 1, pp. 93-117
 18. Elitzur R. and Falk H. (1996). "Planned Audit Quality". *Journal of Accounting and Public Policy*, Vol.15, pp. 247-269.
 19. Geiger M.A. and Raghunandan K. (2002). "Auditor tenure and audit reporting failures". *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, Vol. 21, Issue 1, pp. 67-78.
 20. Gietzman M. B. and Sen P.K. (2002). "Improving auditor independence through selected mandatory rotation". *International Journal of Auditing*, Vol. 6, pp.183-210.
 21. Gul F. A. Jaggi B. and Krishnan G. (2007). "Auditor Independence: Evidence on the Joint Effects of Auditor Tenure and Non-Audit Fees". *Auditing: A Journal of Practice and Theory*, Vol. 26, Issue 2, pp.117-142.
 22. Hamilton, J., C. Ruddock, D. Stokes, and S. Taylor. (2005). "Audit partner rotation, earnings quality and earnings conservatism". Working paper, University of Technology, Sydney, and University of New South Wales
 23. Hussey R. and Lan G. (2001). "An examination of auditor independence issues from the prospective of U.K. Finance Director". *Journal of Business Ethics*, Vol. 32, Issue 2, pp. 169-178.
 24. Johnson V.E. , khurana I.K. and Reynolds J.K 2002." Audit-firm tenure and quality of financial Reports". *Contemporary Accounting Research*, Vol.19, Issue 4, pp.637-660
 25. Nagy A. (2005). "Mandatory audit firm turnover, financial reporting quality, and client bargaining power: the case of Arthur Andersen". *Accounting Horizons*, Vol. 19, Issue 2, pp. 51-68.
 26. Ruiz-Barbadillo E. and Gomez-Aguilar N.2002. "Does Auditor Tenure Improve Audit Quality? Mandatory auditor Rotation Versus Long Terms Auditing. An empirical analysis ". working paper. University of Cadiz Spain.
 27. Sinnott, W. (2004). "Are there good reasons for auditor rotation?" *Financial Executive* 20 (7): 29-32.
 28. Walker P.L. 2001. Lewis B.L. and Casterella J.R., "Mandatory auditor rotation: Arguments and current evidence". *Accounting Enquiries*, Vol.10, Issue 2